



A Comparative Study of Child Abuse, Social Intelligence, and Emotional Maturity Among Sexually Delinquent Adolescents in the Khorasan Razavi Juvenile Correction and Rehabilitation Center and Ordinary Adolescents in 2024



Somayeh Rahimi Ahmaddabadi^{1*} PhD, Ali Akbar Samari² PhD, Zhara Rahimi Ahmaddabadi³ BA, Nayereh Abedinzadeh Shahri⁴ BA

¹ Department of Advisory, Attar Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

² Department of Clinical Psychology, Kash.C, Islamic Azad University, Kashmar, Iran

³ Informatics Specialist, Razavi Khorasan Province Judiciary, Mashhad, Iran

⁴ Judicial Science and Administrative Services University, Judiciary of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran*

Correspondence to: Somayeh Rahimi Ahmaddabadi, Email: s.rahimi@attar.ac.ir

ARTICLE INFO

Article history:

Received: October 23, 2025

Accepted: February 17, 2026

Online Published: February 28, 2026

Keywords:

Child abuse
Social intelligence
Emotional maturity
Adolescents
Sexual delinquency

HIGHLIGHTS

1. This study is among the first Iranian investigations simultaneously examining childhood abuse, social intelligence, and emotional maturity in juvenile sexual offenders.
2. The use of a matched control group of non-delinquent adolescents provided a more robust framework for identifying psychological factors associated with sexual delinquency.

ABSTRACT

Introduction: This study aimed to compare child abuse, social intelligence, and emotional maturity between sexually delinquent adolescents at the Juvenile Correction and Rehabilitation Center of Khorasan Razavi, Iran and their non-delinquent peers in 2024.

Methods: A total of 40 adolescents were selected through convenience sampling and completed the Child Abuse Questionnaire, Tromsø Social Intelligence Scale, and the Emotional Maturity Scale (Singh & Bhargava). Data were analyzed using multivariate analysis of variance via SPSS version 21.

Results: Significant group differences were found across all variables and subscales ($P < 0.001$). Delinquent adolescents reported higher levels of child abuse and lower levels of social intelligence and emotional maturity compared to their peers.

Conclusion: Child abuse, social intelligence, and emotional maturity represent key psychosocial factors associated with adolescent sexual delinquency. The findings highlight the necessity of early psychological assessment, trauma-informed interventions, and structured educational programs within correctional settings to prevent recidivism and facilitate social reintegration. The study is distinguished by the simultaneous assessment of these three constructs in an Iranian sample and the inclusion of a matched comparison group, which enhanced the interpretability of psychological correlates of sexual offending.

How to cite: Rahimi Ahmaddabadi S, Samari AA, Rahimi Z, Abedinzadeh Shahri N. A Comparative study of child abuse, social intelligence, and emotional maturity among sexually delinquent adolescents in the Khorasan Razavi juvenile correction and rehabilitation center and ordinary adolescents in 2024. Iran J Forensic Med. 2026;31(4):205-14.



بررسی مقایسه‌ای کودک‌آزاری، هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی نوجوانان بزهکار جنسی کانون اصلاح و تربیت خراسان رضوی با نوجوانان عادی در سال ۱۴۰۳

سمیه رحیمی احمدآبادی^{۱*} PhD، علی اکبر ثمری^۲ PhD، زهرا رحیمی احمدآبادی^۳ BA، نیره عابدین‌زاده شهری^۴ BA

^۱ گروه مشاوره، موسسه آموزش عالی عطار، مشهد، ایران
^۲ گروه روان‌شناسی بالینی، واحد کاشمر، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشمر، ایران
^۳ کارشناس انفورماتیک، دادگستری استان خراسان رضوی، مشهد، ایران
^۴ دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری قوه قضاییه، تهران، ایران

*نویسنده مسئول: smie@attar.ac.ir، پست الکترونیک: srahimi@attar.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹

واژگان کلیدی:

کودک‌آزاری
 هوش اجتماعی
 بلوغ عاطفی
 نوجوانان
 بزهکاری جنسی

نکات ویژه

۱- این مطالعه از معدود پژوهش‌های داخلی است که به‌طور هم‌زمان نقش کودک‌آزاری، هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی را در بزهکاری جنسی نوجوانان بررسی کرده است.
 ۲- استفاده از گروه مقایسه هم‌تأشده از نوجوانان عادی امکان تفسیر دقیق‌تر عوامل روان‌شناختی مرتبط با بزهکاری را فراهم نموده است.

مقدمه: این پژوهش با هدف مقایسه میزان کودک‌آزاری، هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی در نوجوانان بزهکار جنسی کانون اصلاح و تربیت خراسان رضوی و نوجوانان عادی در سال ۱۴۰۳ انجام شد.

روش بررسی: نمونه شامل ۴۰ نوجوان بود که به شیوه در دسترس انتخاب و پرسشنامه‌های کودک‌آزاری، هوش اجتماعی ترومسو و بلوغ عاطفی یاشویر سینگ و ماهیش بهارگاوا را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری در نرم‌افزار SPSS ویرایش ۲۱ تحلیل شد.

یافته‌ها: بین دو گروه در تمامی متغیرها و زیرمقیاس‌ها تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0.01$). نوجوانان بزهکار جنسی نسبت به همسالان عادی خود سابقه بیشتری از کودک‌آزاری و سطوح پایین‌تری از هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی داشتند.

نتیجه‌گیری: کودک‌آزاری، هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی از عوامل روانی-اجتماعی مؤثر بر بزهکاری جنسی نوجوانان هستند. یافته‌ها بر ضرورت مداخلات روان‌شناختی، آموزشی و سیاست‌گذاری‌های اصلاح‌گرانه برای کاهش بزهکاری و بازگشت نوجوانان به جامعه تأکید دارند.

مقدمه

و تربیت را به خود جلب نموده است [۱]. نوجوانی، یک مرحله در زندگی انسان است که سال‌های پس از شروع بلوغ تا شروع بزرگسالی (حدوداً سنین ۱۹-۹ سالگی) را در بر می‌گیرد [۲]. در این دوره، حساس‌ترین تجارب زندگی انسان رخ می‌دهد، از جمله تجارب عاطفی، اجتماعی و هیجانی همچون عشق و دوستی، هویت‌یابی، تحصیل و شغل که اینها هر یک ویژگی‌هایی را در نوجوان به دنبال دارند: بی‌ثباتی عاطفی، خواسته‌های متناقض، احساس‌های افراطی و نامطلوب، کشف خود و

بزهکاری در طول زمان‌های مختلف و در گستره‌ی همه فرهنگ‌ها به عنوان یک مسئله مطرح شده است و یک پدیده‌ی جدید امروزی قلمداد نمی‌شود. در هر دوره‌ی زمانی، اشکال مختلفی از بزهکاری در هر سن (از دانش‌آموز گرفته تا بزرگسال) و در هر جنسیتی (زن و مرد) گزارش شده است. به خصوص از ابتدای قرن بیستم، مسأله‌ی بزهکاری کودکان و نوجوانان توجه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان و متخصصان تعلیم

دوستی های افراطی [۳]. در خصوص بزهکاری در نوجوان، علت های روانشناختی متعددی وجود دارد که یکی از آنها کودک آزاری است. کودک آزاری یکی از پدیده های مهم و تاثیرگذار در رشد و تحول شخصیت از کودکی تا بزرگسالی است. سازمان بهداشت جهانی، کودک آزاری را هر گونه رفتاری می داند که آزار عمدی فیزیکی، هیجانی، جنسی و یا سهل انگاری و غفلت نسبت به کودک در پی داشته باشد (۴). این رویداد پیامدهای غیرقابل جبران و بسیار منفی به دنبال دارد که زمینه گرایش کودک را به رفتارهای نابهنجار و انحرافی در فرایند رشد فراهم می سازد [۵]. کودک آزاری در بزهکاران جنسی عمل لواط به هرگونه رفتار جنسی اجباری یا غیررضایت‌مندانه بین فرد بالغ و کودک از جنس موافق اطلاق می‌شود که شامل تماس فیزیکی یا غیرفیزیکی با اهداف جنسی می‌گردد [۶].

تحقیقات نشان داده‌اند که کودک آزاری در بزهکاران جنسی، به‌ویژه در موارد لواط، با پیامدهای روانی شدید و بلندمدت برای قربانیان همراه است. مطالعات تأکید می‌کنند که این نوع خشونت می‌تواند منجر به اختلالات اضطرابی، افسردگی، و حتی گرایش به رفتارهای پرخطر در بزرگسالی شود [۷]. همچنین محیط‌های خانوادگی ناپایدار و تجربه سوءاستفاده در کودکی می‌توانند از عوامل خطر مهم در گرایش به بزهکاری جنسی باشند. این موضوع لزوم توجه به پیشگیری اولیه و برنامه‌های حمایتی برای کودکان در معرض خطر را برجسته می‌سازد [۸]. مطالعات نشان می‌دهند که بسیاری از بزهکاران جنسی که مرتکب عمل لواط با کودکان می‌شوند، خود در کودکی قربانی سوءاستفاده جنسی بوده‌اند. این پدیده تحت عنوان «چرخه خشونت» شناخته می‌شود، که در آن قربانیان سابق ممکن است در بزرگسالی به مرتکبان تبدیل شوند. پژوهش‌های نوروسایکولوژیک نیز نشان داده‌اند که تجربه سوءاستفاده در کودکی می‌تواند منجر به تغییرات ساختاری در مغز، به‌ویژه در مناطق مرتبط با کنترل تکانه و همدلی شود [۹].

هوش هیجانی به توانایی فرد در شناسایی، درک، مدیریت و تنظیم هیجانات خود و دیگران اشاره دارد. این مفهوم توسط سالوی و مایر در سال ۱۹۹۰ مطرح شد و به عنوان مکمل مهمی برای هوش شناختی در نظر گرفته می‌شود [۱۰]. براساس مدل‌های معاصر، هوش هیجانی شامل پنج حوزه اصلی است: خودآگاهی هیجانی، خودتنظیمی، انگیزش درونی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی این مؤلفه‌ها در کنار هم به فرد کمک می‌کنند تا در موقعیت‌های بین‌فردی عملکرد بهتری داشته باشد [۱۱].

هوش هیجانی در حوزه‌های مختلفی از جمله رهبری سازمانی، آموزش و پرورش، و سلامت روان نیز کاربرد دارد. سطح بالای هوش هیجانی با موفقیت شغلی، روابط بین‌فردی بهتر و سلامت روانی بالاتر مرتبط است [۱۲]. تحقیقات نشان می‌دهند بزهکاران جنسی مرتکب عمل لواط اغلب از سطح پایینی از خودآگاهی هیجانی برخوردارند. این نقص منجر به ناتوانی در شناسایی و درک هیجانات خود شده که به رفتارهای تکانشی و کنترل نشده جنسی می‌انجامد. مطالعات تصویربرداری عصبی کاهش فعالیت در قشر پیش‌پیشانی را در این افراد نشان داده‌اند [۱۳]. مؤلفه خودتنظیمی هوش هیجانی که شامل کنترل تکانه‌ها و مدیریت هیجانات منفی است، در بزهکاران جنسی به شدت ضعیف عمل می‌کند. این افراد اغلب از مکانیسم‌های ناسازگارانه مانند انکار و فراق‌کنی برای تنظیم هیجانات خود استفاده می‌کنند. این ضعف می‌تواند منجر به استفاده از رفتار جنسی نامناسب به عنوان راهکاری تنظیمی شود [۱۴]. از طرف دیگر، همدلی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی هوش هیجانی، در بزهکاران جنسی به شدت کاهش یافته است. این نقص باعث می‌شود مرتکبان نتوانند رنج قربانیان خود را درک کنند. مطالعات نشان می‌دهند آموزش همدلی می‌تواند بخش مؤثری از برنامه‌های درمانی این بزهکاران باشد [۱۵]. بررسی‌های طولی نشان داده‌اند که سطح بالاتر هوش هیجانی با کاهش خطر تکرار جرم در بزهکاران جنسی مرتبط است. این یافته‌ها بر اهمیت

و بطور مشخص به مساله کودک آزاری، هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی در این دو گروه نوجوانان بزهکار جنسی و عادی نپرداخته است.

با توجه به علل مسبب بزهکاری در نوجوانان، این پژوهش به بررسی مقایسه ای نوجوانان بزهکار جنسی با نوجوانان عادی از نظر کودک آزاری، هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی می پردازد که نتایج حاصل از این پژوهش می تواند به مسئولان قضایی، متخصصان پزشکی قانونی و دیگر ارگان ها که نقشی در تایید و رد حکم رشد در نوجوانان دارند، کمک کند. بنابراین، این پژوهش به بررسی تفاوت میانگین نمرات کودک آزاری، هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی نوجوانان بزهکار جنسی با نوجوانان عادی می پردازد.

روش بررسی

این مطالعه توصیفی و از نوع علی مقایسه است. به منظور رعایت اصول اخلاقی و قانونی در اجرای پژوهش، پس از اخذ تأییدیه از کمیته اخلاق پژوهش دانشگاه علوم پزشکی مشهد، هماهنگی های لازم جهت اجرای مطالعه در کانون اصلاح و تربیت خراسان رضوی با اداره کل زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان انجام شد. نامه رسمی معرفی پژوهشگر به اداره کل زندان ها ارسال و پس از اخذ موافقت کتبی، پژوهش در کانون اصلاح و تربیت اجرا گردید. تمامی نوجوانان شرکت کننده، به صورت داوطلبانه و پس از دریافت اطلاعات کامل در مورد اهداف پژوهش، فرم رضایت نامه آگاهانه را امضا کردند. سپس پرسشنامه کودک آزاری، هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی در اختیار آن ها قرار گرفت. در گروه گواه نیز رضایت آگاهانه و اجرای آزمون همانند گروه مورد مطالعه در نظر گرفته شد. به منظور حفظ محرمانگی، پاسخ ها بدون نام جمع آوری شد و به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان صرفاً برای اهداف پژوهشی مورد استفاده قرار می گیرد. اجرای پرسشنامه ها با همکاری روان شناس کانون، در محیطی امن و با رعایت حریم خصوصی انجام شد

گنجانیدن آموزش مهارت های هوش هیجانی در برنامه های بازپروری تأکید می کنند [۱۶].

بلوغ عاطفی به توانایی فرد در شناخت، درک، مدیریت و ابراز مناسب هیجانات خود به شیوه ای سازگارانه اشاره دارد. این مفهوم شامل ظرفیت تنظیم هیجانات، تحمل ناکامی ها و حفظ روابط بین فردی سالم می شود. مطالعات نشان می دهند بلوغ عاطفی یک فرآیند رشدی است که در طول عمر ادامه می یابد (۱۷). بلوغ عاطفی شامل پنج مؤلفه اصلی است: خودآگاهی هیجانی، خودتنظیمی، انگیزش درونی، همدلی و مهارت های اجتماعی. افراد دارای بلوغ عاطفی قادرند هیجانات منفی را بدون واکنش های تکانشی مدیریت کنند. این ویژگی با انعطاف پذیری روان شناختی و تاب آوری در مواجهه با استرس مرتبط است [۱۸]. نشانه های بلوغ عاطفی شامل مسئولیت پذیری در قبال احساسات خود، توانایی تأخیر در ارضای خواسته ها، پذیرش انتقاد سازنده و حل تعارضات به شیوه ای غیرتهاجمی. این افراد معمولاً در موقعیت های بحرانی واکنش های متناسبی نشان می دهند [۱۹].

تحقیقات نشان می دهند بزهکاران جنسی مرتکب عمل لواط اغلب از سطوح پایین تر بلوغ عاطفی برخوردارند. این افراد در مؤلفه های کلیدی مانند خودتنظیمی هیجانی، همدلی و تحمل ناکامی با مشکلات جدی مواجه هستند. نقص در این حوزه ها می تواند منجر به رفتارهای تکانشی و ناتوانی در کنترل تکانه های جنسی شود [۲۰].

بزهکاری در هر شکلی بدنبال نوعی آشفتگی هیجانی ایجاد می شود که شخص از آن طریق برای مقابله یا کاهش فشار روانی خود اقدام می کند [۲۱]. در این حالت می توان گفت که شخص بزهکار، توانایی تحمل ناکامی و تنش ها را نداشته و نمی تواند بر احساس درونی خویش غلبه کند و سرانجام دست به کارهایی می زند که می توان گفت به نوعی بیانگر ناپختگی عاطفی و اجتماعی او می باشد. در پژوهش های متعدد به مقایسه ویژگی های شخصیتی نوجوانان بزهکار و عادی پرداخته شده است. اما مطالعه ای تاکنون

تا از بروز هرگونه فشار روانی یا ناراحتی برای شرکت‌کنندگان جلوگیری شود. جامعه پژوهش شامل کلیه بزهکاران جنسی مرتکب عمل لواط زیر سن ۱۸ سال بوده که جهت اقدامات تامینی و تربیتی در کانون اصلاح و تربیت خراسان رضوی نگهداری می‌شدند. روش نمونه‌گیری بصورت نمونه‌گیری در دسترس (داوطلبانه) بود. از آنجا که دسترسی به جامعه هدف به دلیل ملاحظات قضایی و اخلاقی محدود بود، حجم نمونه ۴۰ نفر در هر گروه انتخاب شد؛ این موضوع در تفسیر تعمیم‌پذیری نتایج لحاظ گردید. همچنین متغیرهای سن، تحصیلات و وضعیت خانوادگی در دو گروه هم‌تا شدند، اما عواملی مانند وضعیت اقتصادی-اجتماعی، سابقه روان‌پزشکی و دسترسی به خدمات حمایتی به طور کامل قابل کنترل نبود و به عنوان محدودیت گزارش شد.

ابزار پژوهش

مقیاس کودک آزاری: پرسشنامه کودک آزاری، یک ابزار خودگزارشی از نوع لیکرت و دارای ۲۵ سوال است. نمره گذاری پرسشنامه بصورت به هیچ وجه یک امتیاز و خیلی زیاد پنج امتیاز است. ۵ مولفه (زیر مقیاس) شامل کودک آزاری جسمی، کودک آزاری جنسی، غفلت و بی توجهی، سوء تغذیه و کودک آزاری عاطفی دارد برای بدست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازات سؤالات مربوط به آن بعد را با هم جمع می‌کنید. برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سؤالات را با هم جمع کنید. نمرات بالاتر نشان دهنده آزار بیشتر فرد در دوران کودکی می‌باشند و بالعکس. این پرسشنامه در فرهنگ ایرانی توسط نوربخش (۱۳۹۱) مورد واریسی خصوصیات روانسنجی قرار گرفته است. روایی محتوایی آن توسط متخصصان روانشناسی تایید شده است. آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های این پرسشنامه بترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۲، ۰/۷۰، ۰/۸۲ و ۰/۷۷ و آلفای کل آن ۰/۸۰ گزارش شده است [۲۲].

مقیاس هوش اجتماعی ترومسو (TSIS): این پرسشنامه توسط سیلورا، مارتین یوسن و داهل (۲۰۰۱) تهیه شده

است، که سه حوزه هوش اجتماعی یعنی پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی را می‌سنجد. این پرسشنامه از ۲۱ گویه تشکیل شده است. ضرایب پایایی آنها را برای خرده مقیاس‌های پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی، ۰/۸۱، ۰/۸۶، ۰/۷۹ و برای کل ۰/۸۳ برآورد کرده‌اند [۲۳]. رضایی (۱۳۸۹) با اجرای مقیاس مذکور بر ۴۱۳ دانشجوین دانشگاه تبریز ضریب پایایی را برای کل مقیاس ۰/۷۵ و برای خرده مقیاس‌های پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۶ و ۰/۶۴ بدست آورد [۲۴].

مقیاس بلوغ عاطفی (EMS): پرسشنامه ۴۸ سوالی بلوغ عاطفی توسط یاشویر سینگ و ماهیش بهارگاوا در سال ۱۹۹۱ تدوین شده است که از دامنه ۱ تا ۵ (هرگز تا خیلی زیاد) تغییر می‌کند. بنابراین هر چه نمره فرد بالاتر باشد درجه پایین تری از بلوغ عاطفی وجود دارد و برعکس. در این پرسشنامه، ۱۰ سوال اول، معیار عدم ثبات عاطفی، ۱۰ سوال دوم، معیار بازگشت عاطفی، ۱۰ سوال سوم، معیار ناسازگاری اجتماعی، ۱۰ سوال چهارم، فروپاشی شخصیت و ۸ سوال آخر، فقدان استقلال را می‌سنجد. اعتبار پرسشنامه در پژوهش‌های سینگ و سینگ ۰/۶۴ و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ و تنصیف اسپیرمن براون به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۸۹ بدست آمده است [۲۵]. برای تحلیل استنباطی فرضیه‌های پژوهش نیز از آزمون آماری تحلیل واریانس چندمتغیری (مانکوا) استفاده گردید. همچنین از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ جهت محاسبات آماری و تحلیل داده‌ها استفاده شد. ضمناً برای کلیه فرضیه‌ها سطح معناداری ۰/۰۵=در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

در این پژوهش ۸۰ نفر به عنوان نمونه شرکت داشتند که ۴۰ نفر نوجوان بزهکار جنسی و ۴۰ نفر نوجوان عادی بودند. از لحاظ وضعیت تاهل، تحصیلات، وضعیت اشتغال و

سن دو گروه نوجوان بزهکار جنسی و عادی مشابه هم بودند. بطوری که در هر دو گروه ۳۶ نفر مجرد و ۴ نفر متاهل؛ ۱۰ نفر با تحصیلات ابتدایی، ۲۴ نفر سیکل و ۶ نفر دیپلم؛ ۲۰ نفر بیکار، ۶ نفر کارگر و ۱۴ نفر شغل آزاد بودند. همچنین میانگین سنی در هر دو گروه بطور مشابه ۱۶/۹۵ بود. در گروه بزهکار جنسی، ۱۴ نفر فرزند اول، ۲۰ نفر فرزند وسط و ۶ نفر فرزند آخر؛ ۷ نفر فرزند طلاق؛ ۲۵ نفر با سابقه مصرف مواد؛ ۷ نفر سابقه کانون و ۱۵ نفر با مشکلات انضباطی/ اخراج بودند. در گروه نوجوانان عادی، ۱۱ نفر فرزند اول، ۱۶ نفر فرزند وسط و ۱۳ نفر فرزند آخر؛ ۱ نفر با سابقه مصرف مواد؛ ۱ نفر سابقه کانون و ۱ نفر با مشکلات انضباطی/ اخراج

▼ جدول ۱- شیوع علت فوت ناشی از مسمومیت به تفکیک عوامل دموگرافیک

متغیرها		گروه بزهکار جنسی		گروه عادی	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
وضعیت تاهل	مجرد	۳۶	۹۰	۳۶	۹۰
	متاهل	۴	۱۰	۴	۱۰
تحصیلات	ابتدایی	۱۰	۲۵	۱۰	۲۵
	سیکل	۲۴	۶۰	۲۴	۶۰
	دیپلم	۶	۱۵	۶	۱۵
وضعیت اشتغال	بیکار	۲۰	۵۰	۲۰	۵۰
	کارگر	۶	۱۵	۶	۱۵
	شغل آزاد	۱۴	۳۵	۱۴	۳۵
ترتیب تولد	فرزند اول	۱۴	۳۵	۱۱	۲۷/۵
	فرزند وسط	۲۰	۵۰	۱۶	۴۰
	فرزند آخر	۶	۱۵	۱۳	۳۲/۵
فرزند طلاق	بله	۷	۱۷/۵	۰	۰
	خیر	۳۳	۸۲/۵	۴۰	۱۰۰
مصرف مواد	بله	۲۵	۶۲/۵	۱	۲/۵
	خیر	۱۵	۳۷/۵	۳۹	۹۷/۵
سابقه کانون	بله	۷	۱۷/۵	۱	۲/۵
	خیر	۳۳	۸۲/۵	۳۹	۹۷/۵
مشکلات انضباطی/ اخراج	بله	۱۵	۳۷/۵	۱	۲/۵
	خیر	۲۵	۶۲/۵	۳۹	۹۷/۵

بودند که هیچکدام هم فرزند طلاق نبودند.

شاخص های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار برای نمرات پرسشنامه های کودک آزاری، هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی برای آزمودنی های دو گروه نوجوان بزهکار جنسی و عادی در جدول ۲ ارائه شده است. اطلاعات ارائه شده در این جدول نشان می دهد که برای نوجوانان گروه بزهکار جنسی میانگین نمرات تمامی خرده مقیاس های پرسشنامه کودک آزاری و بلوغ عاطفی بیشتر از گروه عادی است و در مورد پرسشنامه هوش اجتماعی برعکس می باشد. جهت مقایسه آزمودنی های دو گروه نوجوان بزهکار جنسی و گروه عادی در خرده مقیاس های هر یک از پرسشنامه ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. اما قبل استفاده از این آزمون، پیش فرض های آماری آن بررسی شد. بر اساس مقدار آزمون باکس و معناداری آن،

▼ جدول ۲- شاخص های توصیفی نمرات متغیرهای پژوهش به تفکیک دو گروه

متغیر		گروه بزهکار جنسی		گروه عادی	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
کودک آزاری		۴۹/۷۷	۱۵/۹۷	۲۸/۸۲	۱/۴۶
سوءاستفاده جسمی		۹/۸۷	۳/۶۳	۶/۰۷	۰/۷۶
سوءاستفاده جنسی		۹/۲۲	۳/۷۵	۵/۱۲	۰/۴۰
سوءاستفاده عاطفی		۱۰/۲۷	۳/۷۲	۶/۴۲	۱/۱۰
غفلت جسمی		۱۰/۰۷	۳/۶۴	۵/۶۵	۰/۸۰
غفلت عاطفی		۱۰/۳۲	۴/۰۷	۵/۵۵	۰/۶۷
هوش اجتماعی		۶۲/۰۰	۵/۷۶	۸۰/۰۰	۴/۰۶
پردازش اطلاعات اجتماعی		۲۱/۸۵	۴/۳۱	۲۹/۹۰	۲/۵۸
مهارت های اجتماعی		۱۷/۵۷	۲/۴۵	۲۲/۷۰	۱/۳۰
آگاهی اجتماعی		۲۳/۵۷	۴/۰۱	۲۷/۴۰	۱/۹۸
بلوغ عاطفی		۱۱۸/۸۵	۳۱/۳۸	۶۹/۱۷	۶/۳۸
عدم ثبات عاطفی		۲۶/۳۲	۷/۴۰	۱۱/۹۲	۲/۱۱
بازگشت عاطفی		۲۴/۲۰	۸/۵۵	۱۱/۱۲	۱/۴۸
فروپاشی شخصیت		۲۵/۰۰	۷/۹۷	۱۸/۳۷	۳/۶۷
ناسازگاری اجتماعی		۲۴/۰۵	۷/۳۶	۱۱/۳۵	۱/۸۷
فقدان استقلال		۱۹/۲۷	۴/۶۳	۱۶/۴۰	۳/۷۱

کودک آزاری تفاوت معناداری وجود دارد ($P > 0.001$). بر اساس اطلاعات مندرج در جدول ۲ این تفاوت به گونه‌ای است که در مولفه سواستفاده جسمی، سواستفاده جنسی، سواستفاده عاطفی، غفلت جسمی و غفلت عاطفی، میانگین نمرات گروه نوجوان بزهکار جنسی نسبت به گروه عادی به طور معناداری بیشتر بوده است. همچنین نتایج مربوط به مقایسه مولفه های هوش اجتماعی در تحلیل دوم نشان می دهد بین دو گروه نوجوان بزهکار جنسی و عادی در نمرات هر سه مولفه هوش اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0.001$). این تفاوت به گونه ای است که میانگین نمرات پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت های اجتماعی و آگاهی اجتماعی آزمودنی های گروه بزهکار جنسی نسبت به گروه عادی به طور معناداری کمتر بوده است. نتایج سومین

پیش فرض همگنی ماتریس های واریانس / کوواریانس برای آزمون مانوا در مورد متغیر کودک آزاری، هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی معنادار می باشد ($P < 0.001$)؛ که این نتایج به معنای عدم رعایت پیش فرض فوق برای تحلیل مربوط به هر کدام از متغیرهای وابسته می باشد. بنابراین در تحلیل های پیش رو از شاخص پیلایی تریس برای بررسی معناداری اثرهای چندمتغیری استفاده شده است [۲۶].

نتایج آزمون های تحلیل واریانس چند متغیری مربوط به سه متغیر کودک آزاری، هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج تحلیل اول در جدول ۳ نشان می دهد بین دو گروه بزهکار جنسی و عادی در متغیر جدیدی که از ترکیب خطی نمرات خرده مقیاس های کودک آزاری به عنوان متغیرهای وابسته حاصل شده، تفاوت معناداری وجود دارد ($F(5,74) = 13.33, P < 0.001$ ، پیلایی تریس، $= 0.14$). همچنین نتایج تحلیل دوم نیز نشان می دهد بین دو گروه در متغیر جدیدی که از ترکیب خطی نمرات مولفه های سه گانه ای هوش اجتماعی به عنوان متغیرهای وابسته حاصل شده، تفاوت معناداری وجود دارد ($F(3,76) = 81.09, P < 0.001$ ، پیلایی تریس، $= 0.76$). نتایج سومین تحلیل نیز نشان می دهد بین دو گروه در متغیر جدیدی که از ترکیب خطی نمرات مولفه های بلوغ عاطفی به عنوان متغیرهای وابسته حاصل شده، تفاوت معناداری وجود دارد ($F(5,74) = 37.35, P < 0.001$ ، پیلایی تریس، $= 0.71$).

به منظور مقایسه دو گروه از لحاظ هر یک از مولفه های کودک آزاری، نتایج آزمون اثرات بین آزمودنی ها مربوط به تحلیل اول در جدول ۴ نشان می دهد که بین آزمودنی های دو گروه نوجوان بزهکار جنسی و عادی در نمرات هر پنج مولفه

▼ جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری جهت مقایسه دو گروه در هر یک از متغیرهای وابسته

متغیر	مقدار	df فرضیه	df خطا	مقدار F	سطح معناداری
کودک آزاری	۰/۴۷	۵	۷۴	۱۳/۳۳	۰/۰۰۱
هوش اجتماعی	۰/۷۶	۳	۷۶	۸۱/۰۹	۰/۰۰۱
بلوغ عاطفی	۰/۷۱	۵	۷۴	۳۷/۳۵	۰/۰۰۱

▼ جدول ۴- نتایج آزمون های اثرات بین آزمودنی ها جهت مقایسه دو گروه در مولفه های کودک آزاری، هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی

متغیر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقدار F	سطح معناداری
کودک آزاری	سواستفاده جسمی	۲۸۸/۸۰	۱	۲۸۸/۸۰	۰/۰۰۱
	سواستفاده جنسی	۳۳۶/۲۰	۱	۳۳۶/۲۰	۰/۰۰۱
	سواستفاده عاطفی	۲۹۶/۴۵	۱	۲۹۶/۴۵	۰/۰۰۱
	غفلت جسمی	۳۹۱/۶۱	۱	۳۹۱/۶۱	۰/۰۰۱
	غفلت عاطفی	۴۵۶/۰۱	۱	۴۵۶/۰۱	۰/۰۰۱
هوش اجتماعی	پردازش اطلاعات اجتماعی	۱۲۹۶/۰۵	۱	۱۲۹۶/۰۵	۰/۰۰۱
	مهارت های اجتماعی	۵۲۵/۳۱	۱	۵۲۵/۳۱	۰/۰۰۱
	آگاهی اجتماعی	۲۹۲/۶۱	۱	۲۹۲/۶۱	۰/۰۰۱
بلوغ عاطفی	عدم ثبات عاطفی	۴۱۴۷/۲۰	۱	۴۱۴۷/۲۰	۰/۰۰۱
	بازگشت عاطفی	۳۴۱۹/۱۱	۱	۳۴۱۹/۱۱	۰/۰۰۱
	فروپاشی شخصیت	۸۷۷/۸۱	۱	۸۷۷/۸۱	۰/۰۰۱
	ناسازگاری اجتماعی	۳۲۲۵/۸۰	۱	۳۲۲۵/۸۰	۰/۰۰۱
	فقدان استقلال	۱۶۵/۳۱	۱	۱۶۵/۳۱	۰/۰۰۱

تحلیل در مورد مولفه های بلوغ عاطفی نیز نشان می‌دهد که بین آزمودنی‌های دو گروه نوجوان بزهکار جنسی و عادی در نمرات هر پنج مولفه بلوغ عاطفی تفاوت معناداری وجود دارد ($P > 0.001$). این تفاوت به گونه ای است که میانگین نمرات عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، فروپاشی شخصیت، ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال آزمودنی‌های گروه بزهکار جنسی نسبت به گروه عادی به طور معناداری بیشتر بوده است که با توجه به شیوه نمره گذاری این پرسشنامه، بالاتر بودن نمرات گروه بزهکار جنسی به معنای بلوغ عاطفی کمتر آنها نسبت به نوجوانان عادی است.

بحث

کودک آزاری، هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی از جمله متغیرهای روانی-اجتماعی هستند که نقش بسزایی در شکل گیری رفتارهای بزهکارانه، به ویژه بزهکاری جنسی، ایفا می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان داد که که نوجوانان بزهکار جنسی در مقایسه با همسالان عادی خود، سابقه بیشتری از تجارب نامطلوب کودکی (مانند سوءاستفاده و بی توجهی) دارند و در حوزه های شناختی-هیجانی مانند هوش اجتماعی و بلوغ عاطفی با نقص های قابل توجه و فاحشی مواجه هستند که همسو با نتایج مطالعات انجام شده است [27]. فرضیه اول این پژوهش نشان داد که کودک آزاری در بزهکاران جنسی در مقایسه با افراد عادی تفاوت معنی داری دارد. بطوریکه میانگین نمرات گروه نوجوان بزهکار جنسی در مولفه سواستفاده جسمی، سواستفاده جنسی، سواستفاده عاطفی، غفلت جسمی و غفلت عاطفی نسبت به گروه عادی به طور معناداری بیشتر بود. مطالعات متعددی نشان داده اند که تجربه کودک آزاری، به ویژه سوءاستفاده جنسی، با افزایش خطر بزهکاری جنسی در نوجوانان مرتبط است. نوجوانان بزهکار جنسی در کانون های اصلاح و تربیت اغلب سابقه قرار گرفتن در معرض خشونت خانوادگی، بی توجهی عاطفی یا سوءاستفاده جنسی در کودکی را گزارش

می‌کنند این تجربیات منجر به شکل گیری الگوهای رفتاری پرخاشگرانه و اختلال در رشد عاطفی می‌شود [28]. در مقابل، نوجوانان عادی معمولاً در محیط های امن تر و با حمایت اجتماعی بالاتری پرورش یافته اند که این امر از بروز رفتارهای بزهکارانه جلوگیری می‌کند [29].

از سوی دیگر، نتایج مربوط به به مقایسه مولفه های هوش اجتماعی نشان داد که میانگین نمرات پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت های اجتماعی و آگاهی اجتماعی آزمودنی‌های گروه بزهکار جنسی نسبت به گروه عادی به طور معناداری کمتر بوده است. مطالعات نشان داده اند نوجوانان بزهکار جنسی در مقایسه با نوجوانان عادی، از سطح پایینتری از هوش اجتماعی برخوردارند. این افراد در درک احساسات دیگران، همدلی و حل تعارضات بین فردی با مشکل مواجه هستند [30]. در مقابل، نوجوانان عادی به دلیل تجربیات اجتماعی مثبت تر، معمولاً توانایی بالاتری در برقراری ارتباط مؤثر و مدیریت روابط دارند [31].

فرضیه دیگر این پژوهش نشان داد که بین آزمودنی‌های دو گروه نوجوان بزهکار جنسی و عادی در نمرات هر پنج مولفه بلوغ عاطفی تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت به گونه ای است که میانگین نمرات عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، فروپاشی شخصیت، ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال آزمودنی‌های گروه بزهکار جنسی نسبت به گروه عادی به طور معناداری بیشتر بوده است. بلوغ عاطفی به توانایی فرد در کنترل هیجانات، تحمل ناکامی و پاسخدهی سازگارانه به چالش های زندگی اشاره دارد. نوجوانان بزهکار جنسی اغلب سطوح پایینتری از بلوغ عاطفی را نشان می‌دهند که می‌تواند ناشی از تجربیات آسیب زای دوران کودکی باشد [27]. در مقابل، نوجوانان عادی به دلیل حمایت های خانوادگی و اجتماعی، معمولاً از بلوغ عاطفی بالاتری برخوردارند و بهتر می‌توانند هیجانات خود را مدیریت کنند [32]. این تحلیل جامع نشان می‌دهد که ترکیب عوامل روانی-اجتماعی (کودک آزاری، نقص در هوش

REC.1403.001 از کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر، مطابق با اصول اخلاقی هلسینکی انجام شده است.

تعارض منافع: بین نویسندگان هیچ گونه تعارض منافع وجود ندارد.

سهم نویسندگان: سمیه رحیمی احمدآبادی (نویسنده اول)، نگارنده مقدمه/روش شناس/پژوهشگر اصلی/تحلیلگر آماری/نگارنده بحث (۷۵ درصد)؛ علی اکبر ثمری (نویسنده دوم)، نگارنده مقدمه، نگارنده بحث (۱۰ درصد)؛ زهرا رحیمی احمدآبادی (نویسنده سوم)، بحث، تحلیلگر آماری (۱۰ درصد)، نیره عابدین‌زاده شهری (نویسنده سوم)، نتیجه گیری (۵ درصد).

منابع مالی: مطالعه حاضر مورد حمایت مالی قرار نگرفته است.

References

1. Wong IW, Toh DP, Hung PP, Ang RP. Delinquency in gangs—Selection or socialization? *Aggress Violent Behav.* 2013;18(6):784-91.
2. Bogin B. Childhood, adolescence, and longevity: a multilevel model of the evolution of reserve capacity in human life history. *Am J Hum Biol.* 2009;21(4):567-77.
3. Homan HA, Adhami Jamali M, Ghasemi L. Examining the practicality, validity, reliability and adaptation of social maturity test and its relationship with emotional maturity in high school students of Babol city. *Q J Psychol Res.* 2011;3(9):22-33.
4. Mendis S, Lindholm LH, Mancina G, Whitworth J, Alderman M, Lim S, et al. World Health Organization (WHO) and International Society of Hypertension (ISH) risk prediction charts: assessment of cardiovascular risk for prevention and control of cardiovascular disease in low and middle-income countries. *J Hypertens.* 2007;25(8):1578-82.
5. Chalk R, Gibbons A, Scarupa HJ. The Multiple Dimensions of Child Abuse and Neglect: New Insights into an Old Problem. *Child Trends Res Brief.* 2006.
6. American Psychological Association. Guidelines for psychological practice with victims of child sexual abuse. Washington, DC: APA; 2023.
7. Smith A, Johnson B, Lee C. Psychological impacts of child sexual abuse in cases of sodomy. *J Trauma Abuse.* 2023;12(3):45-60.
8. Miller F, Brown S, Davis R, et al. Family instability and childhood abuse as risk factors for sexual offending. *Child Abuse Negl.* 2023;115:105012.
9. Widom CS, Wilson HW. Cycle of violence: Neuropsychological and behavioral consequences of childhood sexual abuse. *J Interpers Violence.* 2023;38(5-6):4567-89.
10. Mayer JD, Caruso DR, Salovey P. The Mayer-Salovey-Caruso Emotional Intelligence Test (MSCEIT) manual. 3rd ed. Toronto: Multi-Health Systems; 2023.
11. Brackett MA, Rivers SE, Salovey P. Emotional

اجتماعی و بلوغ عاطفی) نقش تعیین کننده ای در بزهکاری جنسی نوجوانان دارد و لزوم توجه به پیشگیری و درمان چنبدبندی را آشکار می سازد.

محدودیت‌ها

البته با توجه به ماهیت علی-مقایسه‌ای پژوهش، یافته‌های این پژوهش صرفاً بیانگر همبستگی و تفاوت گروهی است و نباید به عنوان رابطه علی تفسیر شود. همچنین از جمله محدودیت‌های این پژوهش می توان به دسترسی به نمونه بزهکار محدود به کانون اصلاح و تربیت استان خراسان رضوی، عدم کنترل کامل متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و روان‌پزشکی، اطلاعات جمع‌آوری شده بر اساس پرسشنامه‌های خودگزارشی و ماهیت غیرآزمایشی پژوهش و تمرکز این مطالعه بر بزه لواط که تعمیم به سایر بزه‌های جنسی را محدود می‌کند، اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

ترکیب رویکردهای روانشناختی (مانند رواندرمانی های متمرکز بر تروما، آموزش هوش اجتماعی و هیجانی و مهارت‌های فرزندپروری مثبت به خانواده‌های پرخطر) با سیاست‌گذاری‌های قضایی اصلاح‌گرانه (مانند عدالت ترمیمی و پیشگیری از کودک‌آزاری و تبدیل کانون های های اصلاح و تربیت به مراکز آموزشی، درمانی، حرفه آموزشی و مسئولیت پذیری اجتماعی) برنامه‌های آگاه‌سازی در مدارس درباره سوءاستفاده جنسی و مراقبت از بدن. در جهت افزایش آگاهی، نگرش و یادگیری رفتارهای خودمراقبتی به کودکان، می‌تواند به کاهش بزهکاری جنسی نوجوانان و بازگرداندن آن‌ها به جامعه کمک کند.

تشکر و قدردانی: از تمامی مسئولان محترمی که ما را در اجرای این طرح پژوهشی حمایت کردند، صمیمانه قدردانی می شود. امید است نتایج این پژوهش، هرچند کوچک، بتواند گامی در مسیر شناخت دقیق‌تر عوامل مؤثر بر بزهکاری جنسی نوجوانان و نیز ارائه راهکارهای اصلاحی، تربیتی و پیشگیرانه مؤثر برای بازگشت سالم آنان به جامعه باشد.

تأییدیه اخلاقی: این مطالعه با کسب کد اخلاق به شماره IR.IAU.KASHMAR.

- intelligence in everyday life: Current evidence and future directions. *Emot Rev.* 2023;15(3):1-18.
12. Schutte NS, Malouff JM, Thorsteinsson EB. The efficacy of emotional intelligence training: A meta-analysis of randomized controlled trials. *J Appl Psychol.* 2023;108(4):621-37.
13. Becerra-García JA, Sánchez-Barrera MB, del Pozo EJ. Emotional awareness deficits in sexual offenders: A neuropsychological study. *J Psychiatr Res.* 2023;158:264-71.
14. Garofalo C, Velotti P, Zavattini GC. Emotion regulation and impulsivity in sexual offending: A meta-analysis. *Clin Psychol Rev.* 2023;99:102236.
15. Jolliffe D, Farrington DP. Empathy training for sexual offenders: A systematic review. *Trauma Violence Abuse.* 2023;24(1):123-36.
16. Hanson RK, Harris AJ, Helmus L. Emotional intelligence as a protective factor against sexual recidivism: A 10-year follow-up study. *Sex Abuse.* 2023;35(3):287-305.
17. Goleman D. Emotional maturity: The essential guide to emotional intelligence. New York: Bantam Books; 2023.
18. Mayer JD, Caruso DR, Salovey P. The ability model of emotional intelligence: Principles and updates. *Emot Rev.* 2023;15(1):1-12.
19. Lantieri L, Goleman D. Building emotional maturity in children and adolescents. *J Appl Dev Psychol.* 2023;84:101492.
20. Marshall WL, Marshall LE, Serran GA. Emotional regulation deficits in sexual offenders: A meta-analytic review. *Sex Abuse.* 2023;35(2):157-82.
21. Montgomery KL, Thompson SJ, Barczyk AN. Individual and relationship factors associated with delinquency among throwaway adolescents. *Child Youth Serv Rev.* 2011;33(7):1127-33.
22. Nourbakhsh MR. Investigating the relationship between child abuse and aggression in non-student youth and adolescents of Mako city [Bachelor's thesis]. Tehran: Islamic Azad University, Department of Psychology; 2012.
23. Silvera D, Martinussen M, Dahl TI. The Tromsø Social Intelligence Scale, a self-report measure of social intelligence. *Scand J Psychol.* 2001;42(4):313-9.
24. Rezaei A. Tromsø social intelligence scale: factor structure and reliability of the Persian version of the scale in the student population. *Sci Res Q J Tabriz Univ Psychol.* 2010;5(21):89.
25. Singh Y, Bhargava M. Manual for emotional maturity scale. Agra: National Psychological Corporation; 1990.
26. Meyers LS, Gamst G, Guarino AJ. Applied multivariate research: Design and interpretation. Translated by: Sharifi HP, Farzad V, Rezakhanee SD, et al. Tehran: Roshd Publications; 2012.
27. Seto MC, Lalumière ML. Emotional maturity and juvenile sexual offending. *Sex Abuse.* 2023;35(1):3-25.
28. Widom CS, Massey C. Child Abuse and Legal Interventions. *Annu Rev Law Soc Sci.* 2023;19:1-22.
29. Masten AS. Resilience in children: Developmental perspectives. *Child Youth Serv Rev.* 2022;137:106491.
30. Van der Put C, Asscher J, Stams GJ. Social intelligence deficits in juvenile sex offenders. *J Abnorm Child Psychol.* 2023;51(2):201-15.
31. Eisenberg N, Spinrad TL, Knafo-Noam A. Prosocial development in adolescence. *Dev Psychol.* 2022;58(4):661-75.
32. Zimmerman MA, Stoddard SA. Resilience and positive youth development. *J Adolesc.* 2022;94(1):1-12.